

[A Persian translation of a letter written on behalf of the Universal House of Justice
dated 23 April 2013 to a National Spiritual Assembly]

ترجمه‌ای از

نامه‌ای از طرف بیت العدل اعظم الهی خطاب به یک محفل روحانی ملی
(از هیئت ترجمه به زبان فارسی)

۲۳ آوریل ۲۰۱۳

ارسال از طریق ایمیل

...

دوستان عزیز روحانی،

... بیت العدل اعظم چالش شما را در کمک به احبای جامعه خود برای فهم تعالیم الهی و عمل به آنها در دنیایی که نیروهای مادی‌گرا دائماً قوی‌تر می‌شوند درک می‌کنند. نسخه نامه‌ای اخیر از جانب معهد اعلی خطاب به سه نفر از احبای در یکی از کشورهای همسایه که با نگرانی‌های مشابهی راجع به مشکلات مردان و زنان جوان در تلاش‌شان برای رعایت موازین امری، به خصوص در مسئله عفت و ازدواج مواجه بوده‌اند، به ضمیمه برای اطلاع شما ارسال می‌گردد. امید چنان است که نکات مندرج در این نامه بتواند به مذاکرات شما در باره این موضوع کمک نماید. همان‌طور که در آن به وضوح بیان شده بررسی نکات مورد نظر به بهترین وجه می‌تواند در پرتو روابطی صورت گیرد که نظم اداری بهائی سعی در برقراری آن بین فرد، مؤسسات و جامعه دارد. در عین حال که مسئولیت رعایت موازین بهائی در وهله اول بر عهده فرد مؤمن است ولی مؤسسات وظیفه دارند که افراد را، عمدتاً از طریق مجهودات آموزشی، حمایت نمایند و الگویی از حیات جامعه را ترویج دهند که موجب ترقی و تعالی روحانی اعضا باشد. این نکته نیز البته قابل درک است که مؤسسات بهائی با بر عهده داشتن این وظایف و دیگر وظایف مقدسه، ممکن است گاه به گاه اقدام خاصی را برای صیانت جامعه و جامعیت احکام بهائی لازم بدانند.

مؤسسات امری باید در نظر داشته باشند که اگر مساعی‌شان در جهت انجام وظایف خود نسبت به تعلیم و تربیت احبای به هشدارهای مکرر و یا به تعلیماتی خشک و بی‌روح تقلیل یابد نتایج حاصله بسیار ناچیز خواهد بود. لذا هدف مؤسسات باید ازدیاد آگاهی و افزایش درک احبای باشد. وظیفه مؤسسات بهائی کنجکاوی یا مداخله در زندگی خصوصی افراد و یا تحمیل احکام الهی بر آنان نیست بلکه ایجاد محیطی است که در آن دوستان در مقام پیروان حضرت بهاء‌الله مشتاقانه به ایفای وظایف خود قیام کنند، احکام مبارکش را اطاعت نمایند، و زندگی خود را با تعالیم مقدسش تطبیق دهند. میزان مثمر ثمر بودن مساعی مؤسسات به این بستگی خواهد داشت که احبای به

خصوص نسل جوان، تا چه حدّ خود را غرق در فعالیت‌های جامعه‌ای پویا و در حال رشد ببیند و قوه تأییدات الهی را در انجام مأموریتی که جمال مبارک به آنان محوّل فرموده احساس کنند.

در این راستا، یکی از مؤثرترین ابزارهای که در اختیار شماست مؤسسه آموزشی است که سعی دارد فرد را در یک فرایند آموزشی سهیم سازد که در آن حسن اخلاق و انضباط شخصی در زمینه خدمت پرورش می‌یابد و الگویی منسجم و پرنشاط از زندگی به وجود می‌آورد که مطالعه، عبادت، تبلیغ و جامعه‌سازی و کلاً آنچه را که موجب تحوّل و تقلیب جامعه می‌شود در هم می‌تند. محور این فرایند آموزشی تماس با کلام الهی است که قدرتش تداوم بخش مساعی هر فرد در تطهیر قلب خویش و پیمودن مسیری از خدمت با "قدم انقطاع" می‌باشد. حضرت ولیّ امرالله مؤمنین جوان را به یادگیری از طریق "مشارکت فعالانه و صمیمانه و مستمر" (ترجمه) در فعالیت‌های جامعه تشویق می‌فرمودند. در نامه‌ای از طرف آن حضرت خطاب به یک مؤمن جوان چنین آمده است: "حیات جامعه بهائی آزمایشگاهی ضروری برای شما فراهم می‌نماید که در آن می‌توانید اصولی را که از تعالیم مبارکه فرا گرفته‌اید به اعمالی پویا و سازنده درآورید." در ادامه نامه چنین می‌فرماید: "هنگامی که جزئی واقعی از آن موجود زنده شوید می‌توانید روح حقیقی ساری در تعالیم الهی را درک نمایید." (ترجمه) یک چنین مشارکت مشتاقانه در فعالیت‌های امری زمینه‌ای ارزشمند برای کوشش‌های جوانان و نیز بزرگسالان فراهم می‌سازد تا حیات خود را با تعالیم حضرت بهاءالله تطبیق دهند. این بدان معنا نیست که افراد گه‌گاه دچار اشتباه، که شاید در مواردی اشتباهی بزرگ هم باشد، نخواهند شد. با این حال، هنگامی که علاقه به حفظ موازین بهائی از طریق خدمت به مصالح عمومی در محیطی سرشار از عشق بی‌دریغ و تشویق صمیمانه پرورش یابد، احبای الهی در مواجهه با چنین مشکلی، از فرط شرمساری احساس نخواهند کرد که راهی جز کناره‌گیری از فعالیت‌های جامعه ندارند و یا حتی بدتر از آن، خود را مجبور نخواهند یافت که چالش‌های خویش را با پوششی از ادب و نزاکت بپوشانند و حیاتی را پیش گیرند که در آن گفتارشان نزد عموم با رفتارشان در خلوت در تباین و تضاد باشد.

بنا بر این بدیهی است که باید هم‌زمان به نیازهای پیشرفت اخلاقی فرد، با کوشش‌های لازم برای تقویت قابلیت‌های جامعه و مؤسسات آن توجه نمود. نامه ضمیمه، بعضی از ویژگی‌های حیات جامعه‌ای را که بهائیان با راهنمایی مؤسسات امری برای ایجاد آن در تلاش هستند توضیح می‌دهد. محیط مورد نظر در اصل محیطی است مملوّ از محبت و حمایت که در آن مؤمنین، همگی در عین تلاش برای نیل به موازین بهائی در رفتار شخصی خود نسبت به یکدیگر شکیبایی و احترام نشان می‌دهند و در مواقع لزوم از نصایح حکیمانه و مساعدت بی‌دریغ برخوردار می‌شوند. در جامعه بهائی نه جایی برای بدگویی و غیبت و نه مکانی برای عیب‌جویی از دیگران و خودنیک‌پنداری موجود است.

در این رابطه، هر محفل ملی لزوماً باید قبول نماید که اگر محبت و حمایت متقابل تنها نکته مورد توجه در درون جامعه باشد، اگر چه به تنهایی از اهمیّت خاصی برخوردار است، ولی این مسئله باعث خواهد شد که محیطی را که ناشی از ذهنیّت محدود ایجاد شود. جامعه جهانی بهائی رسالتی تاریخی برعهده دارد و هم‌گام با

گسترش روزافزون خود باید قابلیت پرداختن به نیازهای روحانی و مادی را که دائماً پیچیده‌تر می‌شوند کسب کند. پیام بیت العدل اعظم مورخ ۲۸ دسامبر ۲۰۱۰ به این نکته اشاره می‌نماید که: "یک جامعه کوچک که اعضای آن به سبب عقاید مشترک‌شان با یکدیگر متحدند، آرمان‌های والا و ویژگی خاص آن است، در اداره امور خویش ماهر و در برآوردن نیازهای خود کارآمد است و احتمالاً به چند طرح بشردوستانه نیز اشتغال دارد — یک چنین جامعه‌ای شکوفا ولی دور از واقعیت‌هایی که توده‌های وسیع بشریت با آن سروکار دارند هرگز نمی‌تواند امیدوار باشد که به منزله الگویی برای تجدید ساختار تمامی جامعه بشری عمل نماید." سلسله نقشه‌های جهانی کنونی تمهیداتی برای ایجاد تدریجی قابلیت فردی و جمعی برای این مأموریت جامعه فراهم می‌سازد. هر یک از مؤسسات جامعه بهائی که به وضع موجود خود قانع باشد، در حفظ جوانان از قوای مادی‌گرایی بی‌حد و انحطاط اخلاقی ملازم آن که اجتماع را مورد حمله قرار داده‌اند با مشکلاتی مواجه خواهد شد. نکات فوق به ماهیت فرایند قابلیت‌سازی که هر مؤسسه بهائی باید با جدیت به آن اشتغال ورزد اشاره می‌کند.

به غیر از اقدامات فوق‌الذکر که انسجام جامعه بهائی را تحکیم می‌نماید، در بعضی مواقع ممکن است اقدام خاصی از طرف مؤسسات بهائی جهت صیانت جامعه و حفظ حرمت احکام لازم باشد. رسیدگی و اقدام در هر مورد بخصوصی البته نیاز به نهایت دقت و رعایت حکمت دارد. این گونه موارد زمانی پیش می‌آید که احکام بهائی در انظار عمومی و به نحوی فاحش نقض گردد و احتمالاً به اعتبار و حسن شهرت امر مبارک لطمه زند و یا وقتی که فردی جسورانه نسبت به تعالیم و مؤسسات امری بی‌اعتنایی نموده عواقب زیان‌بخشی در امور جامعه بهائی به بار آورد. در چنین شرایطی محافل روحانی باید طریق میانه‌ای در پیش گیرند؛ نه برخوردی بی‌تفاوت داشته باشند که به مثابه اغماض از رفتار مغایر با تعالیم الهی تلقی شود و ضرورت اطاعت از احکام بهائی را در انظار اعضای جامعه تضعیف نماید و نه با شتاب و یا با عدم انعطاف‌پذیری به تنفیذ احکام و تحمیل مستبدانه محدودیت‌های اداری مبادرت ورزند.

اگر رفتار یک فرد بهائی آن‌چنان بی‌پرده باشد که توجه محفل را به خود جلب کند لازم است که محفل، بعد از به دست آوردن تصویر نسبتاً روشنی از مسائل، فرد مربوطه را با لحنی محبت‌آمیز ولی جدی نصیحت نماید. در اکثر موارد لازم است که در وهله اول مشخص شود که فرد مؤمن تا چه حد امر الهی و موازین آن را درک می‌کند. آنچه معمولاً مورد احتیاج است نصایح بی‌طرفانه و غالباً برای مدتی طولانی می‌باشد تا فرد مورد نظر در درک مقتضیات احکام الهی یاری دهد. هم‌چنین صبر و شکیبایی لازم است و باید به فرد فرصت کافی داده شود تا بتواند در رفتارش تغییراتی حاصل نماید. ممکن است محفل، اغلب با مساعدت مشاورین و یا اعضای هیئت معاونت، به شخص کمک کند تا در باره وضع خاص خود تفکر و تعمق نماید، اصول مربوطه را به مرحله عمل در آورد و امکانات مختلفی را که در دسترس دارد مورد تفحص قرار دهد. توجه محفل باید به این نکته معطوف باشد که در تصمیم‌گیری در خصوص نحوه برخورد با این مشکل، هدف کمک کردن به احباً برای نزدیک‌تر شدن به امر الله و در عین حال حفظ و صیانت جامعه بهائی از تأثیرات سوء نفوسی است که به هیچ وجه قصد تمسک به موازین امری را ندارند. زمانی که یک فرد مؤمن، وفاداری خود را نسبت به امر مبارک و علاقه‌اش

را به اصلاح وضعیت خویش نشان دهد، صبر مستمر و هدایت همراه با محبت روشی بسیار بجا خواهد بود. البته در تمامی این مدت باید مراقب بود که تلاش‌های فرد سبب غیبت و اختلاف در جامعه نشود و اعضای جامعه در این مورد باید به خاطر داشته باشند که هریک موظفند قوای خویش را در جهت ترقی روحانی و غلبه بر نقایص خود سوق دهند.

فقط در صورتی که فرد با نادیده گرفتن همه نصایح و اندازات، عالماً و مستمراً در سوء رفتار خود پافشاری نموده احکام را نقض کند لازم خواهد بود که محفل پس از هشدار دادن به او از عواقب ادامه بی‌توجهی به تعالیم الهی، اعمال بعضی محدودیت‌های اداری را در نظر گیرد. اخذ تصمیم در چنین مسائلی با محفل روحانی ملی است که با نهایت مواظبت و احتیاط عمل نماید. آنچه در اجرای چنین محدودیتی مورد نظر خواهد بود مشارکت فرد در جنبه‌هایی از حیات جامعه است که منحصر به جمع پیروان تعالیم حضرت بهاء‌الله می‌باشد نه حقوق مدنی وی. در بعضی موارد ممکن است اعمال یک یا چند محدودیت کافی باشد و به محفل روحانی امکان دهد که با انعطاف‌پذیری با مسئله‌ای برخورد کند. مثلاً اگر امید این است که علاقه مجدد به شرکت در حیات جامعه در فرد زنده شود، محدودیت‌های کامل ممکن است نتیجه معکوس داشته باشد؛ یک محدودیت مناسب مانند تعلیق حق انتخاب شدن به عضویت محفل ممکن است کافی باشد زیرا در هر حال منطقی نخواهد بود که شخصی که علناً احکام بهائی را زیر پا می‌گذارد مسئولیت اداره امور جامعه را به عهده داشته باشد. محدود کردن فرد از انجام خدمات دیگری مانند راهنمایی حلقه‌های مطالعه و یا معلمی کلاس‌های درس اخلاق را نیز می‌توان در نظر گرفت. سلب تمام حقوق اداری باید در موارد بسیار شدید و غیر قابل حل اعمال شود به خصوص هنگامی که مسئله صیانت جامعه در میان باشد. بدین ترتیب استفاده حکیمانه از اعمال یک یا چند محدودیت وسیله دیگری برای تقویت فرد و جامعه در اختیار محفل می‌گذارد. در نامه‌هایی که از طرف حضرت ولی‌ام‌الله برای هدایت محافل در چنین مواردی مرقوم گردیده توضیح داده شده است که "هرچند در بعضی موارد نظر به ملاحظات انضباطی لازم است حق رأی یکی از احباب سلب گردد"، این اختیار محفل ملی "باید تنها در موارد حادّ به کار برده شود." و نیز می‌فرمایند که اگر برای بعضی از اعمال منافی عقّت محدودیت‌های سنگینی اعمال گردد، "انصاف آنست که محدودیت‌هایی به همان اندازه سنگین در مورد هر فرد بهائی که از حدّ موازین اخلاقی تعیین شده از قلم حضرت بهاء‌الله پا فراتر نهد نیز اعمال شود"، که با در نظر گرفتن اوضاع امروزه بشریت، بدیهی است که این کار "وضع غیر ممکن و مضحک پیش خواهد آورد" (ترجمه)

یک نکته نهایی شایسته ذکر است: ممکن است مواقعی پیش آید که شخصی نسبت به نصایح مؤسسات بهائی کاملاً بی‌تفاوتی نشان دهد و با قاطعیت و جدّیت به ادامه وضع موجود بپردازد و هیچ تمایل آشکاری به شرکت در حیات جامعه بهائی از خود نشان ندهد. در چنین مواردی، مشروط بر اینکه رفتارشان چندان اثر سوئی بر نام نیک امر الله نداشته باشد، محفل می‌تواند تصمیم بگیرد که او را به حال خود واگذارد — نه اصراری بر تماس مداوم با او داشته باشد و نه خود را موظف بداند که محدودیت‌های اداری نسبت به او اعمال دارد. به همین

ترتیب، لازم نیست که خواهان حذف سریع نام او از سجلات خود باشد زیرا اوضاع تغییر می‌کند و چه بسا که به مرور زمان آن شخص تصمیم به اصلاح رفتار خود و بازگشت به شرکت در حیات جامعهٔ بهائی را بگیرد.

در بررسی مسائلی مانند آنچه در بالا ذکر شد، هم در پرداختن به موارد خاص و هم در رسیدگی به موضوع وسیع تر پرورش روح عشق و احترام نسبت به احکام و موازین بهائی، مسلماً مشورت مستمر با مشاورین را هم ضروری و هم آموزنده خواهید یافت.

با تقدیم تحیات
دارالانشاء بیت العدل اعظم

ضمیمه دارد

رونوشت: دارالتبلیغ بین‌المللی
هیئت مشاورین قاره‌ای
مشاورین ارجمند